حادثه در شهر

## سرقت ادوات موسیقی

سارقی یک شرکت ادوات ساز و صوتی و تصویری را مورد دستبرد قرار داد و تعدادی از لوازم آن را به سرقت برد. یکی از کارکنان این شرکت گفت: مدتی است که شرکت ما در زمینه موسیقی مشغول به کار است. یک روز وقتی صبح وارد شرکت شدم در کمال تعجب دیدم که وسایل داخل شرکت به هم ریخته و مقداری وسایل نیز به سرقت رفته است. زمانی که دوربین مداربسته یکی از همسایه ها را که شبانه تصویر سارق را ضبط کرده بود چک کردیم تصویر یک موتور سوار را مشاهده کردیم که در حال دور زدن در اطراف شرکت بود و بعد از کمی بررسی کردن اطراف از محل دور شد. کمی که فیلم را جلوتر زدیم دیدیم که سارق نیمه های شب این بار پیاده نزدیک شرکت شد و سریع از دیوار بالا و به داخل حیاط رفت. بعد ازگذشت مدتی در تصویر دیدیم که سارق با یک گونی پر از وسایل از شرکت خارج شد و سریع در تاریکی ناپدید شد. بعد از دیدن این فیلم سریع پلیس را در جریان گذاشتیم تا هر چه زودتر سارق را دستگیر کند .

عبرت

## خانواده وقت نشناس

دیگر اعصابم از دست خانواده همسرم خرد شده است.

مرد عصبانی با اشاره به زندگی پر تنش خود در راهروی دادگاه می گوید: به خاطر نزدیکی منزل مان به منزل پدر همسرم مدام وقت و بی وقت پدر و مادر همسرم به خانه ما می آیند و آسایش را از من گرفته اند.

هر بار که به همسرم به خاطر رفتارهای پدر و مادرش اعتراض می کنم دعوا راه می اندازد و با حالت قهر خانه را ترک می کند. نمی دانم با چه زبانی به همسرم بگویم که من هم آدم هستم و به استراحت و کمی توجه نیاز دارم.

پدر همسرم مدتی است که بازنشسته شده است و به خاطر بیکاری و وقت زیادی که دارد مدام به خانه ما می آید و ساعت ها می نشیند و درباره چیزهایی که اصلا علاقه ای به آن ها ندارم صحبت می کند. همسرم بی توجه به اخطارهای من فقط سرگرم پذیرایی از پدر و مادرش می شود و اصلا به من توجهی نمی کند.

مدتی است سر این ماجرا و کشمکش ها ناراحتی قلبی گرفته و حتی تصمیم گرفته ام خانه ام را عوض کنم و در محله ای دور خانه اجاره کنم تا از دست مزاحمت های خانواده همسرم خلاص شوم. افسوس که هر چقدر تلاش کردم تا پولی برای رهن خانه پیدا کنم نتوانستم مهیا کنم تا مدتی دور از خانواده همسرم کمی آسوده زندگی کنم.

هر روز بر مشکلاتم افزوده می شود و همسرم به هیچ وجه حاضر نیست که با پدر و مادرش صحبت کند که کمتر به خانه ما بیایند یا لااقل زمانی به خانه ما بیایند که وقت استراحت مان نباشد. خانواده همسرم از سر شب تا دیر وقت به شب نشینی می روند تا جایی که صدای بقیه فامیل هم در آمده است.

هر چقدر با همسرم صحبت کردم دیدم هیچ فایده ای ندارد و پدر و مادرش همچنان به رفت و آمد های وقت و بی وقت شان ادامه می دهند . تصمیم گرفتم از دادگاه درخواست کمک کنم تا شاید این زندگی توفان زده ام کمی رنگ آرامش به خودش بگیرد و همسرم نیز دست از لجبازی بردارد و با پدر و مادرش صحبت کند تا شاید بیش از این زندگی مان به بن بست نخورد.

هشدار

## رانندگی در برف و باران (۴)

- هنگام عبور از پل ها و روگذرها و معابر واقع شده در سایه بیشتر توجه کنید چون این مناطق سریعتر از دیگر قسمت ها یخ می زنند.
- مراقب نحوه رانندگی، رانندگان وسایل نقلیه مجاور خود باشید.
- باک خودرو را به منظور عدم نفوذ رطوبت حداقل تا نیمه پر نگه دارید و سعی کنید مقداری سوخت ذخیره با رعایت اصول ایمنی در داخل خودرو داشته باشید.
- ابزار احتیاطی مورد نیاز مانند یخ شکن، مایع ضد یخ شیشه و برف پاک کن ، جارو دستی، بیلچه تاشو ، بسته کوچک محتوای شن،کابل ارتباطی، سیم سیار و جعبه ابزار را به همراه داشته باشید.
- به منظور اقدامات احتیاطی بیشتر تلفن همراه، کلاه گرم ، دستکش، پتو ، بطری آب وغذاهای آماده ، علایم هشدار دهنده و وسایل مورد نیاز دیگر را با خود به همراه داشته باشید.
- در صورت گیر کردن در برف یکی از شیشه های خود را به منظور ورود هوای پاک کمی پایین بیاورید.

**پلیس راه خراسان شمالی**

طی سال جاری رخ داد؛

## مرگ ۱۷ نفر در حوادث برون شهری اسفراین

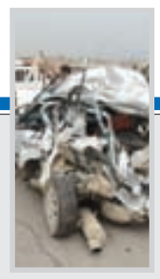

**نجفیان**- طی سال جاری، در حوادث و سوانح ترافیکی برون شهری محورهای مواصلاتی اسفراین ۱۷ نفر جان باختند. رئیس پلیس راه اسفراین با اعلام این مطلب در گفتگو با خبرنگار ما گفت: در این مدت نسبت به مدت مشابه سال گذشته با کاهش ۲۲ درصدی شمار جان باختگان مواجه هستیم که جای خرسندی دارد. سرگرد «رضا خداشاهی» افزود: در ۹ ماه سال گذشته، ۲۲ نفر در محورهای مواصلاتی اسفراین جان باختند که غفلت از رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، خواب آلودگی و خستگی دلایل این حوادث بود. وی خاطر نشان کرد: محورهای اسفراین- سنخواست، کمربندی سبزوار، محور گراتی- صفی آباد و مسیرهای دسترسی به دهستان میلانلو و زرق آباد از نقاط حادثه خیز اسفراین هستند.

ماجرای دختری که خودش را از چاله به چاه انداخت

# بازگشت به خانه خاکستری

**صدیقی**

۱۵ سال بیشتر سن ندارد که ماجرای تلخی را تجربه کرده و برچسب دختر فراری به او خورده است. بیقرار و پریشان در گوشه ای نشسته و در افکارش فرو رفته است. آرزوهای دور و درازش با سختگیری های بی حد خانواده اش بر باد رفته است.

درست زمانی که باید با ادامه تحصیل مسیر زندگی اش را پیدا می کرد اما در یک لحظه فرمان زندگی اش با یک نگاه شیطانی از مسیر منحرف شد و به بیراهه هدایت شد . هر چند خوش شانس بود که خیلی زود با کمک دوستش از بیراهه به مسیر اصلی زندگی اش بر گشت اما با این حال همچنان انگ دختر فراری در پرونده اش ثبت شده و آینده خود را در خطر می بیند.

دختر نوجوان سر خورده درباره ماجرای پیش آمده در زندگی اش و روزهای پر تنش و اضطرابش در کنار خانواده اش می گوید: در یک خانواده پر جمعیت بزرگ شدم. پدرم شغل آزاد داشت و مادرم خانه دار بود.

پدر و مادرم خیلی سختگیر بودند و اجازه کوچکترین تصمیمی را به من و خواهرهایم نمی دادند و به قول معروف خودشان می بریدند و می دوختند به طوری که حتی اجازه پوشیدن لباس مورد علاقه ام را نداشتم و باید رنگ و مدل لباسم طبق نظر آنها انتخاب می شد.

جو خانه ما کاملا دیکتاتوری بود و هیچکس حق اظهار نظر یا بیان علایق و سلیقه اش را نداشت. مادرم تصمیم گیرنده بود و پدرم به دلیل شرایط شغلی اش بیشتر اوقات در منزل حضور نداشت. مشکلات و تنش های من با خانواده ام از زمان انتخاب رشته مورد علاقه ام بیشتر شد.

وی می افزاید: از طرف پدر و مادرم تحت فشار قرار گرفته بودم و بر سر انتخاب رشته مورد علاقه ام به مشکل برخوردم چرا که مادرم که نتوانسته بود شاهد تحقق آرزوی های طول و درازش توسط دیگر فرزندانش باشد این بار تمام سعی اش را می کرد تا هر طوری که شده دختر ته تغاری اش رشته مورد علاقه او را انتخاب و دنبال کند .

این کشمکش بین من و مادرم ادامه یافت تا این که روزی مادرم بدون اطلاع من، مرا در رشته مورد علاقه اش ثبت نام کرد. من هم که هیچ علاقه ای به رشته تحصیلی انتخاب شده توسط مادرم نداشتم یک تصمیم خطرناک گرفتم و به دور از چشم خانواده وارد حرفه مورد علاقه ام شدم بنابراین هرروز به جای رفتن به مدرسه برای کارآموزی در رشته دلخواهم می رفتم و در این کلاس ها با پسری ارتباط برقرار کردم.

دختر نادم از چگونگی لو رفتن ماجرای کارآموزی در رشته مورد علاقه اش این چنین می گوید: بعد از گذشت چند ماه به دلیل این که درس نمی خواندم خانواده ام پیگیر موضوع و متوجه شدند که مدتی است به مدرسه نرفته ام. بعد از این ماجرا سختگیری های خانواده بیشتر شد و گوشی تلفنم را از من گرفتند و دیگر اجازه نداشتم به تنهایی از منزل خارج شوم و اگر چیزی نیاز داشتم یا مادرم آن را تهیه می کرد یا باید به همراه او بیرون می رفتم.

عدم توجه و محبت از سوی خانواده، بی اعتمادی، سرزنش و تحقیر آنها مرا به شدت آزار می داد بنابراین تصمیم گرفتم از خانه فرار کنم. دختر نادم بعداز فرار نزد پسری که با او ارتباط دوستانه برقرار کرده بود می رود و بعد از این که متوجه نقشه های پسر می شود از فرار خود پشیمان می شود. او می گوید: من که اوایل در کنار پسر مورد علاقه ام احساس رضایت می کردم مدتی در کنار او ماندم اما رفته رفته از رفتارهای وی احساس ترس و وحشت کردم و این ترس و نگرانی هر روز بیشتر می شد به حدی که دائم کابوس می دیدم و آرامش نداشتم و از عاقبت این کار به شدت می ترسیدم. این دلهره ادامه داشت تا این که روزی یکی از دوستانم از ماجرا باخبر شد و من را از عاقبت بد این کار آگاه کرد و پیشنهاد داد که هنوز دیر نشده و مشکل حادتر نشده است به خانه برگردم و آینده ام را بیشتر از این تباه نکنم. دختر نادم با آه و افسوس ادامه می دهد: بعد از شنیدن پیشنهاد دوستم کمی دودل بودم تا این که تصمیم گرفتم اگر به قیمت جانم هم تمام شود به خانه بر گردم. با برگشتنم به خانه، خانواده ام مثل همیشه مرا به باد کتک گرفتند و تحقیر و سرزنش کردند و هر روز کشمکش و درگیری بین ما زیاد می شد. مدتی این کشمکش های زننده ادامه پیدا کرد و پدر و مادرم از چگونگی برخورد با من عاجز شدند. به پیشنهاد یکی از آشنایان برای مشاوره به همراه پدر و مادرم به یکی از مراکز حمایتی و مشاوره بهزیستی استان که به صورت رایگان دایر است مراجعه کردیم.

> **اوایل در کنار پسر مورد علاقه ام احساس رضایت می کردم مدتی در کنار او ماندم اما رفته رفته از رفتارهای وی احساس ترس و وحشت کردم**

**نظر کارشناس**

فرار یک آسیب اجتماعی است که باعث افزایش جرم در جامعه می شود و امنیت و سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد که آسیب های جدی و زیادی را هم برای فرد و هم برای جامعه در پی دارد لذا باید توجه ویژه ای به این موضوع شود. در این راستا لازم است تا ابتدا با مفهوم فرار آشنا شویم.

فرار اقدام به ترک خانواده و فامیل بدون اجازه ولی یا سرپرست قانونی است. در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیر قابل تحمل و تغییر ناپذیر است. شواهد نشان می دهد که پس از فرار نه تنها مشکلات دختران کاهش نمی یابد بلکه فرد وارد یک چرخه آسیب زای اجتماعی می شود که پیامدهای منفی زیادی را برای او و جامعه در پی دارد.

حال به بررسی برخی عواملی که منجر به فرار می شود می پردازیم. ازدواج های اجباری و زود هنگام، سردی روابط عاطفی والدین، متارکه، طلاق، وجود ناپدری و نامادری، بی سرپرستی و بد سرپرستی، خشونت در خانواده، کمبود محبت، فقر اقتصادی و فرهنگی، اعتیاد، مشکلات روحی و روانی و افزایش ناهنجاری های اجتماعی مهمترین عوامل فرار از خانه هستند.

دختران به دلیل عدم آگاهی از پیامدهای فرار دچار مشکل و آسیب های عدیده ای می شوند که راه گریزی از آن ها نیست. شاید عده ای تصور کنند که فرار فقط در بین قشر کم درآمد جامعه رخ می دهد در صورتی که این گونه نیست. در خانواده های متمول و ثروتمند به دلیل حفظ آبرو و رهایی از وجدان درد با قدرت پول فقط شکل قضیه را حل کرده اند و به جای فرار جغرافیایی فرار از خانواده وجود دارد. یعنی به ارتباط با دوستان و فضای مجازی، درگیری با مدل خودرو، سرگرمی با حیوانات، مسافرت و پارتی و موضوعات مورد علاقه خود مشغولند و خانواده دلخوشند که آن ها در دسترس هستند (البته با تلفن همراه).

در نهایت باید مراقب باشیم که صمیمیت و احترام به فرزندان را با باج دادن و تسلیم شدن در برابر خواسته های غیر منطقی آنها اشتباه نگیریم.

قاب حادثه

برخورد ۳ خودروی پژو۴۰۵ ، پژو۲۰۶ و پی کی در چهار راه حادثه ساز بسیج

چراغ قرمز

## کلاهبرداری اینترنتی

امروزه استفاده از اینترنت به یک امر ضروری تبدیل شده است و به تبع آن افراد از این طریق سوءاستفاده می کنند و دست به کلاهبرداری می‌زنند. بهترین راهی که می توان از آن در امان ماند آگاهی و دانش بیشتر برای استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیاست. همان طور که می‌دانیم شمار افرادی که قربانی فریب‌های اینترنتی می شوند افزایش یافته است. یکی از این فریب‌ها حقه «نیجریه‌ای» است. شیوه کلاهبرداری در این روش به این صورت است که در ابتدا به قربانی قول ارائه درصدی پول یا جایزه ای داده می شود که قرار است آن را از کشور نیجریه خارج کند. ابتدا از فرد قربانی خواسته می شود که مبلغی پول را برای انجام امور بانکی واریز کند که بعد از واریز مبلغ کلاهبرداری صورت می گیرد و کلاهبردار غیب می شود. این کلاهبرداری از طریق مکاتبات ایمیلی اتفاق می‌افتد. در اولین گام بعد از پاسخ قربانی به ایمیل رسیده تلاش می‌شود که اعتماد آن فرد جلب شود سپس کلاهبرداری صورت می گیرد.

کلاهبرداری دیگری که ممکن است صورت گیرد کلاهبرداری با عنوان شرکت در قرعه کشی است به این صورت که کلاهبردار ایمیلی را ارسال می کند با موضوع این که شما در یک قرعه کشی برنده شده اید و از شما خواسته می شود که مبلغی را برای پست پرداخت کنید که بعد از پرداخت دیگر روی جایزه و حتی پولتان را نخواهید دید.

نوع دیگری از کلاهبرداری این است که از یک کشور خارجی ایمیلی برای تان ارسال می شود و به شما پیشنهاد پروژه‌ای که پول خوبی به شما می رسد، داده می شود که البته این پروژه باید در منزل انجام شود! با جلب اعتماد از مشتری خواسته می شود که اطلاعات حساب بانکی خود را برای واریز کردن حقوق و دستمزد ارائه دهد. سپس کلاهبرداران از حساب آن فرد قربانی برای ذخیره مبالغ واریزی کلاهبرداری‌های دیگرشان استفاده می کنند و او را ناخواسته شریک جرم خود می کنند. این کلاهبرداران طوری جلب اعتماد می کنند که گویی همین امروز پروژه انجام شده و قصد دارند مبلغ دستمزد را به حساب تان واریز کنند! این پیشنهادها در ظاهر واقعی ولی در اصل بسیار فریبنده هستند پس باید بسیار دقت کنید که به دام چنین خطراتی نیفتید.